

# فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های خطی جهان اسلام

مؤلف: آدام کاجک

مترجم: علی قلی‌نامی



- سرشناسه : گاسک، آدام
- Gacek, Adam
- عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های خطی جهان اسلام/ مولف آدام گاجک ؛ مترجم علی قلی‌نامی؛ [به سفارش] موسسه فرهنگ بنیان شکوهی، واخوان متون ایرانی و اسلامی.
- مشخصات نشر : تهران: ارمغان تاریخ، ۱۳۹۴.
- مشخصات ظاهری : ۵۱۳ ص.
- شابک : 978-600-94613-9-4
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : عنوان اصلی: Arabic manuscripts : a vademecum for readers Author: Adam Gacek , 2009
- موضوع : نسخه‌شناسی -- اصطلاح‌ها و تعبیرها
- موضوع : نسخه‌شناسی -- واژه‌نامه‌ها -- انگلیسی
- موضوع : زبان انگلیسی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
- شناسه افزوده : قلی‌نامی، علی، ۱۳۵۴ - ، مترجم
- شناسه افزوده : بنیاد فرهنگی شکوهی
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ف۴/۳/۱۱۳ Z
- رده بندی دیویی : ۸۰۸/۰۲۷
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۳۳۶۶۲

## فرهنگ اصطلاحات توصیفی نسخه‌های خطی جهان اسلام

مولف: آدام گاجک

مترجم: علی قلی‌نامی

صاحب اثر : موسسه فرهنگ بنیان شکوهی

ناشر : ارمغان تاریخ

چاپ اول : تهران، ۱۳۹۴

قطع : وزیری

تعداد صفحات : ۵۱۳

شمارگان : ۱۰۰۰ صفحه آرای

محمود خانی

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۱۳-۹-۴

چاپخانه انور

قیمت: ۱۵۰۰۰۰۰ ریال (رنگی) / ۴۰۰۰۰۰۰ ریال (تک رنگ)

(کلیه حقوق برای موسسه فرهنگ بنیان شکوهی محفوظ است)

به نام آن که عالم نامه اوست

بمه آفاق، نقش خامه اوست

هر برگ از متون علمی و فرهنگی ما، در حکم ورق هویت ماست، ورقی که مهر فرزانهگی و فرهیختگی بر آن نقش بسته، و معرفت جایگاه تمدنی ما در جهان است. این جایگاه، آن گاه بلندتر خواهد بود، و شکوه آن افزونتر، که بیشتر به احیاء و بازخوانی آثار و مآثر گذشته خودمان سپرداریم، و ارزشهای محتوایی و صوری آنها را بهتر و بیشتر نشان دهیم.

هنوز بسیارند کنجینه‌های پنهان در دل کتابخانه‌ها که در انتظار دستبازی احیا کنند تا دوباره آنها را به جلوه درآورند و در منظر دانش پژوهان قرار دهند.

بنیاد سلوپی بر آن بنا شده تا بقدر توان خود، چندی از این کنجینه‌ها را معرفی کند و در تعالی فرهنگ ایرانی و اسلامی، نقشی موثر داشته باشد.

دکتر جلال جلال سلوپی

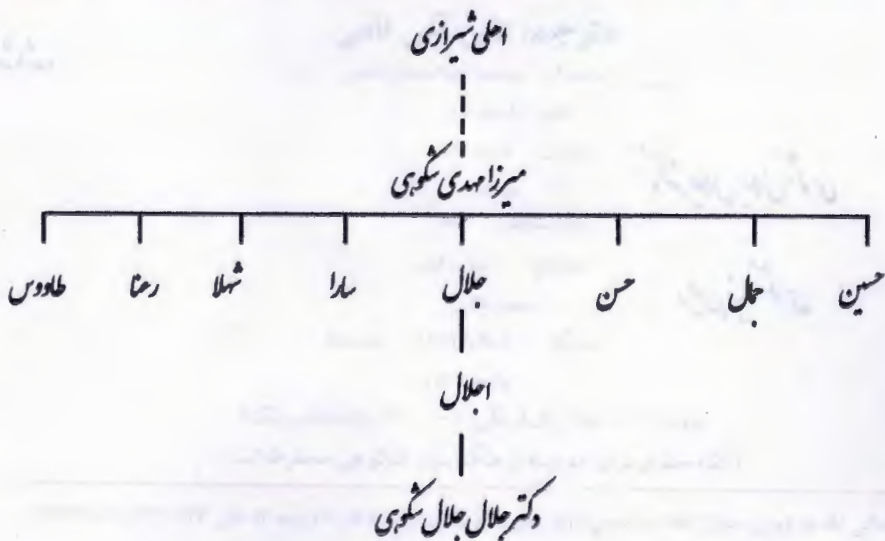
رئیس بنیاد سلوپی



# بنیاد شکوهی

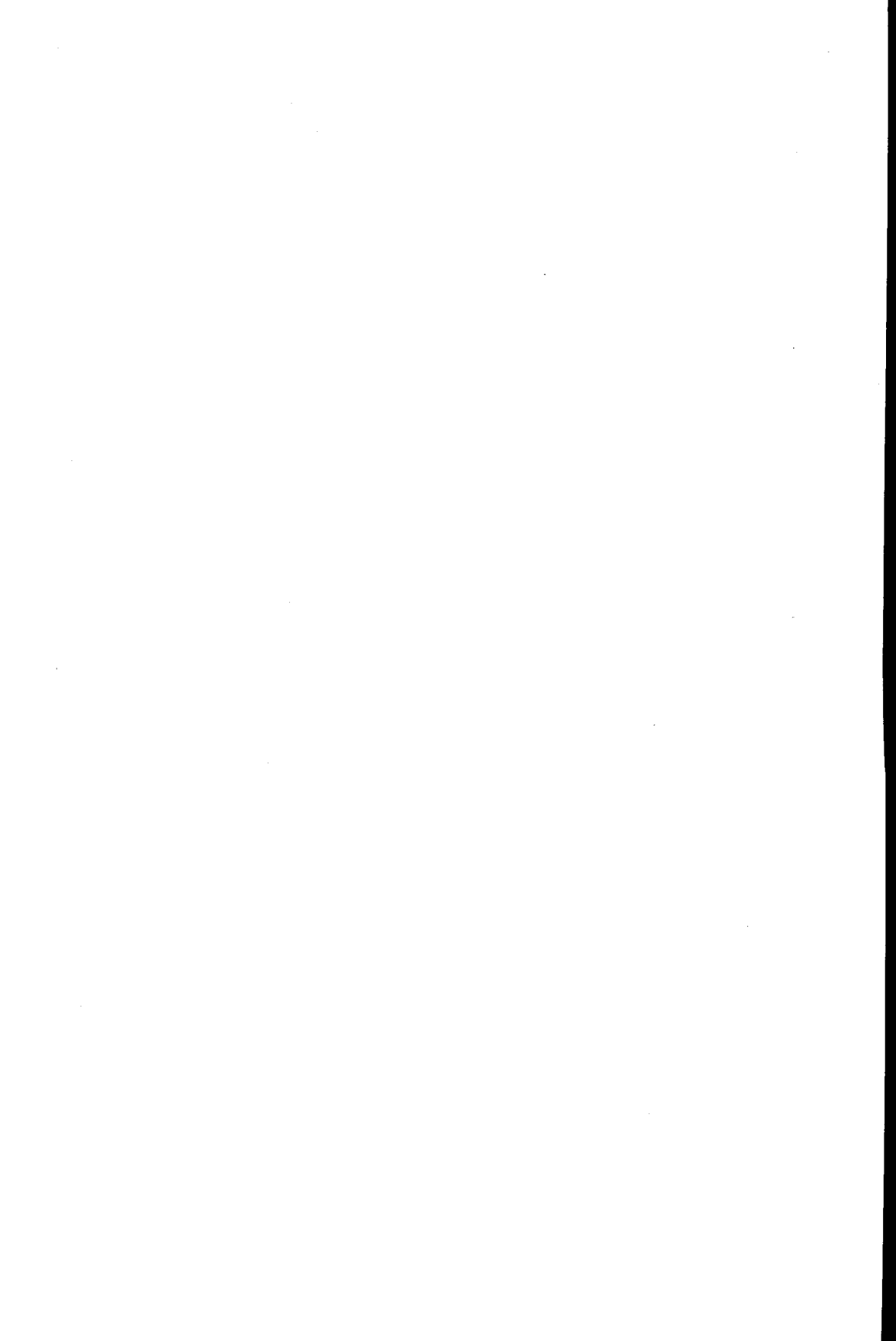
بنیاد علمی و فرهنگی شکوهی با حمایت و نظارت دکتر جلال جلال شکوهی در سال ۱۳۹۳ شمسی، با تشکیل کارگروه علمی، با هدف انتشار متون فاخر و ارزشمند تأسیس شد.

دکتر جلال جلال شکوهی از نوادگان میرزا مهدی شکوهی (از شعرای بزرگ آذربایجان) است و شجره ایشان به اهلی شیرازی (شاعر بزرگ دوره صفویه) می رسد، متخصص رادیولوژی و رئیس انجمن رادیولوژی ایران و پزشک نمونه در سال ۱۳۷۹ و عضو هیئت علمی دانشگاه های ایران و... می باشد.



## فهرست مطالب

.....	۹	سیاسگزاری‌های مؤلف و مترجم
.....	۱۱	دیاچه مؤلف و مترجم
.....	۱۷	یادداشتی درباره نسخه‌برداری
.....	۱	ترتیب الفبایی مدخل‌ها (A-Z)
.....	۴۳۱	ضمیمه ۱: علائم اختصاری و آثار ارجاعی
.....	۴۵۵	ضمیمه ۲: اختصارات غیر تخصصی
.....		ضمیمه ۳: اشکال حروف اصلی عربی بر اساس متون مربوط به خوشنویسی دوره
.....	۴۵۹	مملوکی و عثمانی
.....	۴۶۳	ضمیمه ۴: نمودار ۱: تقویم اسلامی - مسیحی
.....	۴۶۵	ضمیمه ۵: نمودار ۲: دوره‌های تاریخی عمده
.....	۴۶۹	نمایه‌ها
.....	۴۷۱	۱. جایها
.....	۴۷۵	۲. نامها
.....	۴۸۳	۳. آثار
.....	۴۸۷	۴. اصطلاحات





## سپاسگزاری‌ها

### مؤلف

من به همکارم استیو میلیر بسیار مدیونم که متن این کتاب را مرور کردند و با تیزبینی مطالبی را هم یادآوری کردند. همچنین مراتب قدردانی خود را به ساسکیا روکما تقدیم می‌کنم که چنین طرح‌هایی زیبا خلق کرد که لازمهٔ مدخل‌های مختلف این کتاب بود.

### مترجم

پیش از همه از خداوند آفریننده سپاسگزارم که نعمت تندرستی و خردمندی را هم به بندگان ارزانی داشت. از آقای دکتر بیگ‌باباپور که به بنده اعتماد کردند و مرا برای برگردان این کار مهم برگزیدند سپاسگزارم و برای ابوی تازه درگذشتهٔ ایشان طلب مغفرت دارم. مدیون آقای دکتر سمیع‌زاده، عضو هیأت علمی دانشگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup> خواهم بود که در حلّ پاره‌ای دشواری‌های برابرسازی اصطلاحات دستم را گرفتند. از دوست بسیار شفیقم آقای امید سروری که خود در شناساندن گنجینه‌های فرهنگ و ادب این سرزمین مقدّس، ایران عزیز، از جان مایه می‌گذارند و مرا وارد این وادی شکوه‌مند کردند تا آخر عمرم سپاسگزارم. همچنین از آقای اکبر نیکخو، خوشنویس

مراغه‌ای تشکر می‌کنم که مرا به پاره‌ای متون و اصطلاحات رهنمون شدند. سرانجام یادی می‌کنم از فرزانه بی‌بدیل و استاد زبان‌های باستانی، مرحوم بهمن سرکاراتی؛ به پاس همه چیزهای خوبی که داشت این کتاب به روح پاک ایشان تقدیم می‌شود. باشد که یادش در دل ما تازه شود.

## دبیاچه مؤلف

در سال ۱۹۷۸ هنگامی که نخستین بار با نسخه‌های خطی اسلامی مواجه شدم از این که درمی‌یافتم نوشته‌هایی با اهمیت کاربردی بسیار کمی وجود دارد تا در دسترس مبتدیان در این زمینه قرار بگیرند شگفت‌زده شدم. با این حال، در زمینه‌های مطالعات نسخه‌های خطی عبری، یونانی و لاتین چندین کتاب راهنما وجود داشت. درست است، من توانستم کارهایی درخشان مانند (The Islamic book 1929) از آرنولد و گروه‌مان، (Arabische Palaographie 1967-71) از گروه‌مان و حتی (Den Arabisk Bog 1946) از پدربین را بخوانم. همچنین توانستم به مجموعه آثار خوشنویسی مراجعه کنم که دبلو. رایت، بی. موریتز، ای. تیسیرانت، ای. جی. آربری، ج. وجده و س. منجّد گردآورده بودند. هر چند، اطلاعاتی درباره موضوعات خوشنویسی و نسخه‌شناسی، همانند تصنیف درباره نسخه خطی، مرکب‌ها، چاپ‌شناسی نسخه‌ها و کاغذ عربی، واژه‌های اختصاری، تصحیح‌ها، حاشیه، تعیین تاریخ‌ها و تاریخ‌نگاری، یادداشت‌های مالکیت و مانند آن‌ها وجود داشت لیکن بسیار اجمالی بود و در یک سری تک‌نگاری‌ها و چاپ‌های پراکنده شده بود. از این گذشته، فهرست‌های نسخه‌های خطی اسلامی روی شناخت متن‌ها متمرکز است نه این که اطلاعاتی درباره خود نسخه‌های خطی مانند موضوعات دیرینه‌شناسی آن‌ها فراهم بیاورد.

اگرچه تاریخ علاقه‌مندی به نسخه‌های خطی اسلامی و به ویژه خوشنویسی را در غرب می‌توان به نیمه دوم سده ۱۸ رساند، درست همان هنگامی که ژاکوب آدلر نخستین فهرست نسخه‌های خطی قرآنی را معرفی می‌کرد، لیکن افزایش چشمگیر این

علاقه‌مندی به تنها جشنواره جهانی اسلام بازمی‌گردد که در سال ۱۹۷۶ در لندن سازماندهی شد. این واقعه بزرگ باعث انتشار مجموعه‌ئی از فهرست‌ها بود که با سمینار استانبول در سال ۱۹۸۶ درباره خوشنویسی و نسخه‌شناسی خاورمیانه با پای‌مردی فرانسوا دروشی و پشتیبانی مالی مشترک کتابخانه ملی فرانسه و انستیتو مطالعات آنتاتولی ادامه یافت. از آن پس، مجموعه‌ئی از چاپ‌ها و ابتکارها به طور مرتب در مطالعه روش‌مندتر نسخه‌های خطی خاورمیانه سهیم بوده‌اند.

هنگامی که بخش «کتاب‌شناسی» کتاب اخیر من سنت نسخه خطی عربی (AMT) و ضمیمه آن (AMTS) که در ضمن چاپ‌های دیگر آمده است مرور می‌شود این پیشرفت آشکارا دیده می‌شود. نخستین تک‌نگاری نسخه‌شناسی نسخه‌های خطی در دست‌نویس‌های اسلامی را تعدادی از پژوهش‌گران با هدایت فرانسوا دروشی در سال ۲۰۰۰ گردآوردند و اخیراً با عنوان نسخه‌شناسی اسلامی به انگلیسی و عربی به ترتیب زیر در دسترس قرار گرفته است: مقدمه بر مطالعه نسخه‌های خطی و نسخه‌های عربی و المدخل إلى علم الكتاب المخطوط بالحرف العربی.

با وجود این پیشرفت بی‌شبهه، هرچند حوزه مطالعات نسخه خطی اسلامی با وجود صدها هزار نسخه خطی، اگر نخواهیم بگوییم میلیون‌ها نسخه، هنوز در نوزادی خود قرار دارد ولی با این حال، به خوبی در حال گسترش است. افزون بر آن، دانشگاه‌های بسیار کمی وجود دارد که واحدهای درسی در نسخه‌شناسی و نسخه‌های خطی ارائه می‌دهند و این به رغم این حقیقت است که اکثر آثار اسلامی تاکنون ویرایش انتقادی نشده است و یا به ویرایش دوباره آن‌ها نیازی احساس نشده است.

نسخه‌های خطی اسلامی تاکنون در شکل کتاب‌هایی دست‌نویس بررسی شده است. نخستین و اولویت در این بررسی آن‌ها را به عنوان ابزار اندیشیدن در نظر می‌گیرد نه این که خود آن‌ها را به عنوان موضوعات بررسی در نظر بگیرد. حتی برخی اسلام‌شناسان امروزه اساساً و پیش از هر چیزی به موضوع روشنفکرانه این کتاب‌ها علاقه‌مندند و نه ضرورتاً به درک فرایند نسخه‌برداری، انتقال متن و روش‌های دست‌نویسی.

پژوهش‌های بسیاری باقی مانده است تا تقریباً به همه جنبه‌های نسخه‌شناسی و خوشنویسی اسلامی پرداخته شود. تحقیق حاضر برای کامیابی، روی گردآوری

اطلاعات مناطق مختلف و دوره‌های تاریخی متمرکز شده است. ما نمی‌توانیم از تاریخ و تکامل خطوط مختلف در نسخه‌های خطی اسلامی چشم‌اندازی کامل داشته باشیم مگر این‌که این تحقیق نخست راهبری شود. این‌جاست که محقق نسخه‌های خطی اسلامی با دو منبع اصلی اطلاعات روبرو می‌شود؛ از یک سو، آثاری وجود دارد که اشخاص درگیر در تهیه نسخه‌های خطی به وجود آورده‌اند (Gacek, 2004) و از سوی دیگر، خود دست‌نوشته‌ها است. پرسشی که به پاسخ نیاز دارد این است: آن‌هایی که نسخه‌های خطی را به وجود آوردند درباره کار خودشان چه می‌گویند و نظر آن‌ها با نمونه‌های موجود چگونه مطابقت می‌کند؟ به سخن دیگر، نظریه‌پردازی با تجربه‌گرایی مواجه شده است. اگرچه تئوری گاهی می‌تواند برای تقابل با واقعیت دم دستی خود را نشان دهد لیکن اجتناب از یا حقیر شمردن این سنت غنی اسلامی شاید اشتباهی فاحش باشد.

افزون بر این، نباید نسخه‌های خطی عربی دست‌نویس را جداگانه در نظر گرفت. نخست، نسخه‌های خطی عربی بسیاری را فارسی‌زبانان و ترک‌زبان‌هایی نسخه‌برداری کرده‌اند که رد پای خودشان را هم در به کارگیری رسوم محلی خود به جا گذاشته‌اند هم این کار را در یادداشت‌ها و گزارش‌های نسخه‌های خطی گوناگون، به خصوص در مقدمه‌های ارزشمند موجود با به کارگیری زبان‌های بومی خود انجام داده‌اند بنابراین آگاهی از زبان‌های فارسی و ترکی و سنن نسخه‌های خطی سودمند است.

دوم، بسیاری از رسومات در نسخه‌شناسی و خوشنویسی اسلامی همچنین در سنن خطی دیگر مانند عبری، یونانی و لاتینی هم دیده می‌شود. بنابراین، آگاهی از اصطلاح‌شناسی صحیح و تکنیک‌های بررسی مورد استفاده در نسخه‌های خطی غیراسلامی واجب است. این‌جا باید از آثاری یاد شود که اخیراً منتشر شده‌اند، همانند قدمت‌شناسی صحافی سده‌های میانی جی. ای. چیرمای (۱۹۹۹)، خوانش نسخه خطی سده‌های میانی: بررسی و توصیف پاول گین (۲۰۰۵) و نوشتن با دست: تاریخی درباره دست‌نویسی در فرهنگ غربی و مدیترانه کولت سیرات (۲۰۰۶) که اطلاعاتی درباره رسم‌های ناگزیر در نسخه‌های خطی اسلامی در ضمن مطالب عظیم خود در دسترس قرار می‌دهد.

سوم، مطالعه نسخه‌های خطی اسلامی نمی‌تواند تماماً بدون داشتن زمینه کافی در فقه‌اللغة اسلامی به شایستگی انجام شود و/یا فهمیده شود و یاری گرفتن از حوزه‌های مشابهی مانند کتیبه‌ها (حکاکی روی سطوح سخت)، تدبیر (بررسی مدارک شامل نامه‌نگاری و کاغذشناسی) و تاریخ هنر. علاوه بر آن، تحقیق در نسخه خطی اسلامی، ضرورت‌هایی را ایجاب می‌کند؛ نه تنها یک زمینه منسجم در موضوعات نسخه‌شناسی و خوشنویسی متنوع بلکه همچنین آشنایی با حوزه‌های تخصصی پژوهش مانند فیلوگرافی (یعنی مطالعه نقش‌های مربوط به نسب‌شناسی و نشان‌های خانوادگی)، سیگیلوگرافی یا سفراجیستیک (مطالعه مهرها و حکاکی‌های روی مهر) و کریپتوگرافی (مطالعه یادداشت‌ها و نگاره‌ها با الفبای رمزی) و اونوماستیک و پرسوپوگرافی (مطالعه نام‌های خانوادگی) و سرانجام این‌که محقق نباید فراموش کند که کتاب‌های چاپ سنگی هم شاید برای مطالعه خوشنویسی سده میانی سودمند باشد.

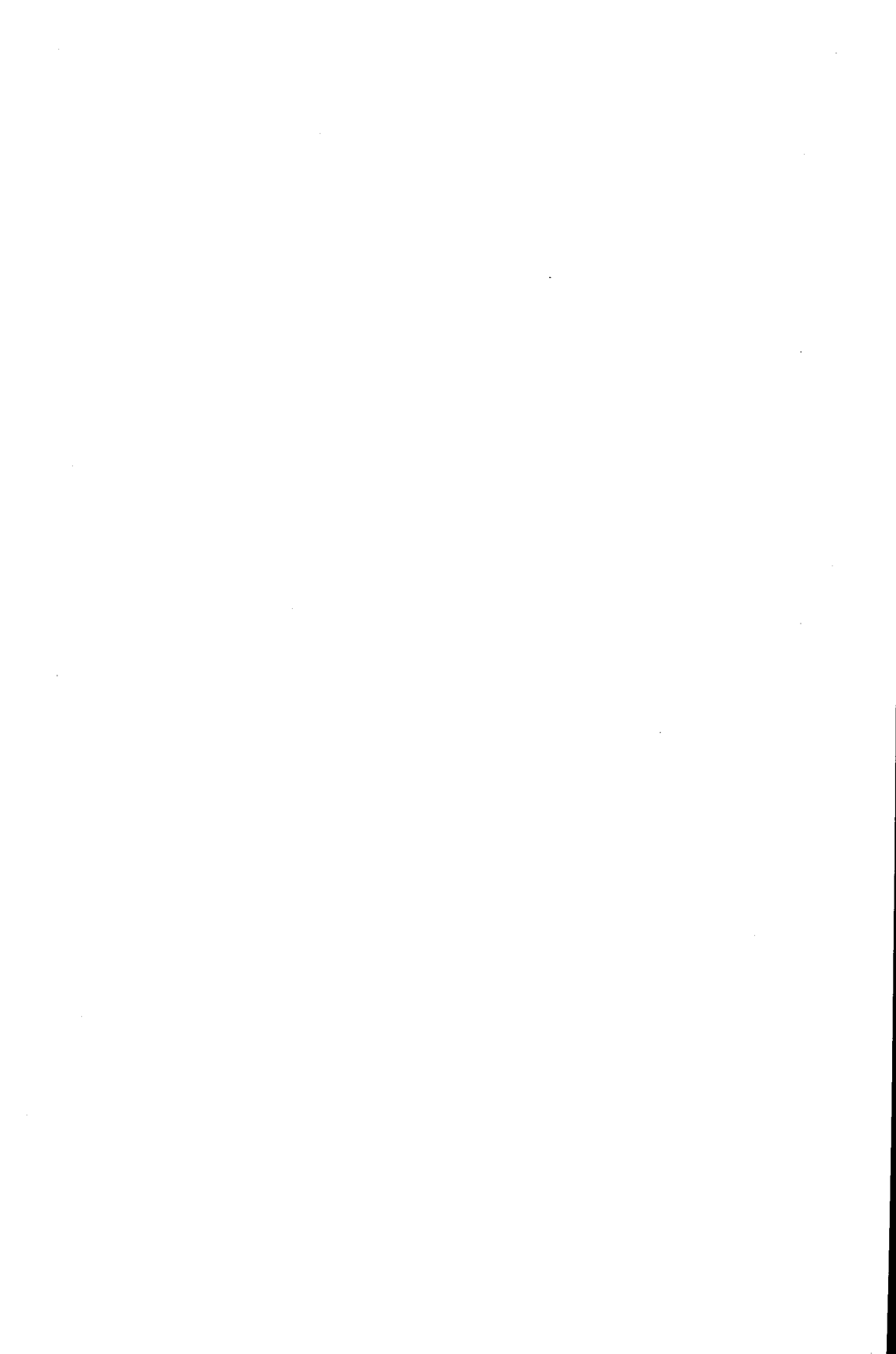
با آنچه گفته شد آشکار است که کتاب حاضر: نسخه‌های خطی جهان اسلام؛ راهنما خوانندگان (AMTS) در بهترین حالت یک فهرست عمومی اجزاء گوناگون یا جنبه‌هایی از مطالعات نسخه‌های خطی اسلامی در نظر گرفته شود. در واقع، تألیف این تکنوگرافی نه این‌که به عنوان گزارش پیوسته و منسجم موضوع خوشنویسی و نسخه‌شناسی تلقی شود بلکه به عنوان کمکی به دانش‌آموزان و پژوهش‌گرانی که اغلب در برابر دنیایی از نسخه‌های خطی رازآمیز و زبان تکنیکی متعلق به آن‌ها سر در گم می‌شود یا حتی گاهی می‌هراسند. حقیقتاً این دانش‌آموزان بودند که مرا با همراهی سودمند خود برای مطالعات نسخه‌شناسی اسلامی ترغیب کردند: آن‌ها می‌توانستند هویت آن‌ها را تعیین کنند، آن‌ها را بخوانند و/یا درباره نسخه‌های خطی و به وجود آورندگان‌شان: نُسَخ و محققان مطلب بنویسند.

برای آرامش خاطر و ارجاع سریع، تصمیم گرفته‌ام تا این کتاب را به صورت الفبایی موضوعی و/یا مفهومی مرتب کنم. کتاب سرشار است از توضیحات تصویری نمونه‌هایی از نسخه‌های خطی (برخی از نسخه‌برداری‌های همسان برای یاری خوانندگان) و بیش از ۵۰ طرح که همکار دلسوزم و صحاف تازه‌کار ساسکسا روکما بامهارت پیاده کرده است. در ادامه ترتیب الفبایی تعداد ضمیمه وجود دارد که هم واژه‌های اختصاری، اشکال حروف، عناوین سوره‌ها و آثار ارجاعی عمده و راهنمایی

برای توصیف نسخه‌های خطی و همچنین نمودارهای خاندان‌ها و دوره‌های تاریخی عمده را شامل می‌شود.

اصطلاحات فنی اسلامی متن بر اساس سنت نسخه خطی عربی و جلد مکمل آن (AMTS) که پیش از این ذکر شد فراهم آمده است. هر دو جلد می‌تواند به عنوان مطالعاتی جنبی برای کتاب حاضر و خواندن موضوعات مختلف موجود در نسخه‌های خطی اسلامی لحاظ شود.

در تحلیل نهایی، خواننده همواره باید در ذهن داشته باشد که هر نسخه خطی (بر عکس یک کتاب چاپی) (حتی اگر همان ناسخ نسخه دیگری از آن رونوشت کرده باشد) بی نظیر است. در حقیقت، بخش ناپذیری و منحصر به فرد بودن، اغلب دو صفت بارز بسیاری از نسخه‌های خطی است و آن‌ها نمی‌تواند به همین سادگی در این یا آن بخش یا طبقه جای بگیرد. به سخن دیگر، همواره، استثنایی وجود دارد.





## یادداشتی درباره استنساخ‌ها

من پیش از این برگزیده نمونه‌هایی از مقدمه‌ها، گزارش‌های مقابله و غیره را بازنویسی کرده‌ام و حروف لاتین را برعکس فونت عربی مطابق قواعد حرف‌نویسی کتابخانه کنگره به کار برده‌ام. برای نام‌های خاص قواعد انگلیسی مخصوص حروف بزرگ به کار گرفته شده است. اگر نمونه‌ئی معین مشخص نشده و/یا آوا نویسی نشده باشد، با حرف‌نگاری آوانویسی اصلی تکمیل شده است. در مورد آوانویسی اصیل، من واژه‌ها را به همان صورتی که در متن اصلی هستند نشان داده‌ام و واژه‌های پایانی نوشته شده را با کشیدن خط زیر آن مشخص کرده‌ام، مانند کتابه. در خصوص رسم‌الخط غیرمعمول، آوانویسی و خط‌های نوشتاری فاحش، علامت [sic] (در متن چنین است) را به کار برده‌ام. تا آنجایی که مقدور بود کوشیده‌ام نسبت به نسخه اصیل وفادار بمانم. بنابراین، واژه (ابن) که تقریباً همواره بدون الف نوشته شده (به خصوص وقتی در میان اسم می‌آید) در این کتاب بصورت (بن) حفظ شده است. از سویی دیگر، واژه الله با الف مدوده آوانویسی شده است حتی اگر این واژه بلند در متن اصلی عموماً هرگز نشان داده نمی‌شود.

هر سطر آوانویسی متن نسخه شمارش شده است و عدد میان دو خط مورب جلویی در پایان هر سطر گذاشته شده است، مانند ۶۷/، علامت پرسشی (?) برای واژه‌هایی به کار برده شده است که امکان دارد به یک گونه دیگر خوانده شود. افزون بر این، کمانک‌ها ( ) اساساً به این دلیل استفاده شده است تا علائم اختصاری را توضیح

دهد، مانند هـ (= انتها) یا ک (= کتبه)، در حالی که علامت قلاب [ ] برای حروف یا واژه‌های افتاده به کار گرفته شده است که یا آسیب دیده است یا پاک شده است و غیره. سخن پایانی این‌که، از علامت زاویه‌دار < > برای حروف یا واژه‌های بلند یا همزه‌هایی استفاده شده است که در متن اصلی در دسترس گذاشته نشده است.

## ترتیب الفبایی (A-Z)

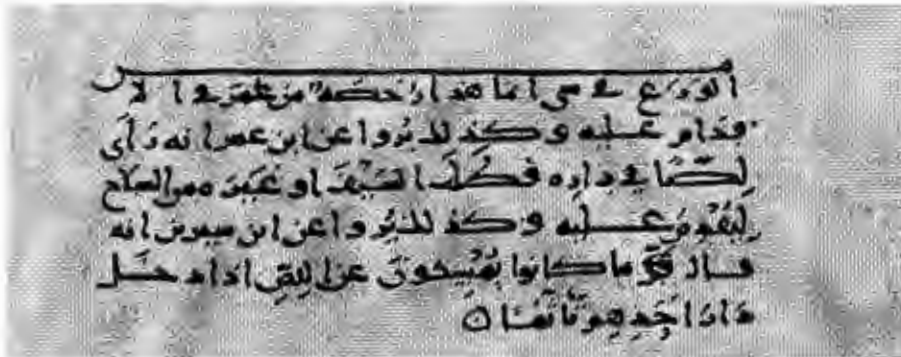
### A

#### خط کتابی عباسی ----- Abbasid bookhand

«خط کتابی عباسی» اصطلاحی عام برای خطوطی گوناگون است که در دیوان سالاری کهن ریشه دارد و بعدها برای متن‌های غیرقرآنی به کار برده شد. این عنوان را فرانسوا دروشی بجای مجموعه‌ای از عنوان‌های مختلفی همانند «نسخی کوفی»، «کوفی فارسی»، «کوفی شرقی»، «نیمه کوفی» و غیره برگزید (Déroche et al., 2006: 217). اصل این خطوط به احتمال بسیار اغلب به سده نخست اسلام بازمی‌گردد به نظر می‌رسد که برخی از آن‌ها تحت تأثیر خط سیرتای سریانی بوده‌اند. در این خطوط الف اغلب مانند یک «S» معکوس یا یک چوب چوگان است که هم با سرک یافته می‌شود و هم بدون آن. در این خطوط ممکن است با حرف مرکب لام الف مواجه شویم که بعداً با نام لام الف وراقیه شناخته شد (Déroche, 1992: 132)

این خطوط در سده‌های ۳/۹ در استنساخ متون نقشی مهم بازی می‌کردند و سده ۴/۱۰ عصر طلایی آن‌ها بود. آن‌ها «اصولاً بر اساس چگونگی به وجود آمدن‌شان شناخته می‌شوند، در تناسب‌های متنوع‌شان، زاویه‌هایی تند که در نسخی می‌تواند بصورت دُور نوشته شود. این مسأله بویژه دربارهٔ حرف نون جدا یا چسبیده همچنین دربارهٔ گردی سر حروفی مانند فاء، قاف و میم صدق می‌کند» (Déroche et al. 2006: 217). از میان این خطوط شیوهٔ مغربی بود که توسعه یافت، یک نوع مصنوع خطِ عباسی که اکنون شیوهٔ عباسی نو یا «خطِ پیوسته شکسته [تعلیق]» شناخته می‌شود (Blair, 2006: 144).

شکل ۱: بخشی از *غریب‌الحديث ابو عبید قاسم بن سلام*؛ کهن‌ترین نسخهٔ خطی تاریخ‌دار روی کاغذ، نگارش سال ۸۶۷/۲۵۸، دانشگاه لیدن هلند (Or. 298, f. 239b)



## Abbreviations and abbreviation symbols\*

### اختصارها و علائم اختصاری

اختصارها معمولاً در منابع مختلف اسلامی به صورت‌های زیر نام‌گذاری می‌شوند: علامات، رموز، مصطلحات (اصطلاحات) و مختصرات. اگرچه دو فهرست مهم اختصارات اخیراً چاپ شده است، هنوز مطالعهٔ کاملی دربارهٔ کاربردشان در فرهنگ اسلامی خواه در گذشته خواه اکنون وجود ندارد (AMT, 174-175; AMTS, 103-104; (Eall, s.v. "Abbreviations", I, 1-15; Gacek, 2007: 220-221

عموماً گفته می‌شود چهار دستهٔ اصلی از اختصارات در متون اسلامی دیده می‌شود:

- ابترها (suspensions): اختصارهایی که در آنها حروفی از پایان واژه زده می‌شود، مانند مص. (مصنّف) یا تع. (تعالی) (بنگرید به شکل ۲). شاید جالب توجه‌ترین مثال دربارهٔ ابتر موردی است که به نظر برخی یا شبیه عدد است یا عدد به شمار می‌آید. علائمی که به این دسته‌بندی متعلق است به اعداد ۲ و ۳ همانند است لیکن شاید با تاء و شین مهمله (ت بجای تمام و ش بجای شرح) که ضمیمهٔ تعلیقات حاشیهٔ متن می‌شد اشتباه شود.
  - میان‌زده‌ها (contractions): فقط با زدن برخی از حروف از میانهٔ واژه اختصاری می‌شود، مثال: قه. (قوله).
  - حرف‌واژه (sigla): یک حرف از ابتدای واژه به نمایندگی از تمام واژه به کار می‌رود، مثال: م. (متن).
  - نمادهای اختصاری (abbreviation symbols): نمادها به شکل علامت‌نگاری به جای تمام واژه به کار می‌رود. نمونهٔ بارز یک نماد اختصاری حرکت افقی قلم است (گاهی در پایان واژه قلاب می‌شود) که واژهٔ سنه (سال) را نشان می‌دهد، [یک خط افقی که در پایان می‌چرخد و بسته می‌شود — ۶]. مثال دیگر خط دو دندانه است (شبیه دو بام مهمله به نظر می‌رسد) که نشان‌دهندهٔ واژهٔ قِف (بایست) یا ابتر- واژهٔ فت. (بجای فَتَعَمَلَةٌ/ها: «در چیزی عمل کرد») است و در نُسخ خطی به جای توضیحات طرهٔ (حاشیهٔ بالای صفحه) به کار می‌رفت.
- نزدیک‌ترین کلمات اختصاری به این موارد، مخفّف یک گروه از کلمات است که تبدیل به یک توده - واژه می‌شود (portemanteau یا نَحت)، برای نمونه، بسمله (ب- سم الله)، حمدله (الحمدلله) و صلولّه (صلّ الله علیه). با وجود این کاربردها، کلمهٔ نَحت همانند یک سر نام (acronym) است، یعنی، در اغلب موارد کلمه از اختصار حروف ابتدایی ساختمان هر کلمه ساخته می‌شود. اغلب این ساخت‌ها کلیشه‌ای است. غیر از بسمله، حمدله و صلولّه مذکور، با موارد زیر هم روبرو می‌شویم: طلبقه (طال الله بقائه)، حوقله یا حولقه (لا حول و لا قوّة الا بالله)، صلعم (مترادف صلولّه)، حسبله (حسبنا الله)، مشعله (ما شاء الله)، سبعله (سبحان الله) و حیعله (حیّ علی الصلّاة).